

« ... إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ ... »

« ... معبود من! به ذات پاکت سوگندت می دهم که مرا به منزل اهل طاعتت ملحق سازی ... »

• سعادت ورود به جمع نیکان

اینکه در این فراز، از خداوند مسئلت شده است: مرا به منزل اهل طاعت ملحق فرما! می توان دو معنی برای آن تصور نمود: یکی آنکه مقصود این است که خدایا، مرا نیز از اهل طاعتت قرار ده! یعنی اگر تا به حال توفیق انجام اوامر و اجتناب از نواهی تو را نداشتم و خلاصه، اهل اطاعت و فرمانبرداری از تو نبودم از این پس مرا آن توفیق ده که من نیز به اطاعت تو مشغول باشم و از آنچه مورد عنایت تو نیست اجتناب ورزم. معنای دوم عبارت مزبور می تواند این باشد که بنده، توفیق هم نشینی با اهل طاعت و نیکان و ابرار را از پروردگارش درخواست می کند، یعنی به خدا عرض می کند که: مرابه آن محل و جایگاهی که اهل طاعت تو هستند برسان و با آنها هم نشینم گردان.

به تعبیر مولانا

گوش ما گیر و بدان مجلس کشان کز رحیقت می خورند آن سرخوشان

(رحیق در اینجا اشاره به آیه ۲۵ سوره مطففین می باشد که خداوند در وصف نعمت هایی که در بهشتبه ابرار خواهد داد چنین فرمود: « يُسْقَوْنَ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ؛ ابرار از شراب طهور سر به مهر در بهشتخواهند نوشید.»)

در توضیح معنای دوم عبارت باید گفت که: نقش تأثیر گذار رفیق و هم نشین، چنانچه هم در آیات و هم در اخبار بدان اشاره شده است، نقشی غیر قابل انکار می باشد، تا آنجا که قرآن کریم از زبان دوزخیان نقل می کند که آنها با تأسف و اندوه می گویند: ای کاش با خوبانی چون رسول صلی الله علیه و آله هم نشین بوده و بدها رامصاحب خویش قرار نمی دادیم که بدان، بعد از آنکه سعادت و خوش بختی، تاآستانه منزل ما آمده بود، آن را از ما ربوده و ما را محروم ساختند: «يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَيْ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا؛ در روز قیامت ظالم، دستش را از شدت حسرت با دندانش می گزد و می گوید: ای کاش ارتباط و انسی با رسول داشتم. وای بر من، کاش فلان رادوست و همنشین خود نمی گرفتم که رفاقت با او

سبب شد که بعد از آنکه ذکر حق سعادت و خوشبختی به سراغم آمده بود، گمراهم نموده و سعادت را از کفم ربود و شیطان برای آدمی مایه گمراهی است.» (فرقان، آیه ۲۷ و ۲۹)

باری، به تعبیر حافظ شیرازی، اساسا نخستین موعظه پیر هدایت گر و راهنما به انسان های سالک آن است که باید از هم نشین و مصاحب بد اجتناب کنید:

نخست موعظه پیر می فروش آن است که از معاشر ناجنس احتراز کنید

با این حال، لازم به ذکر است مقدم بر حافظ و قبل از او، مکتب وحی، این حقیقت مهم را به درستی تبیین فرمود که: «فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكِ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ؛ پس اعراض نما و اجتناب کن از آنکه از ما روی برگردانیده و جز زندگی دنیا را اراده نکرده است علم آنها در همین حد می باشد.» (نجم: ۲۹ و ۳۰)

پیر پیمانہ کش ما که روانش خوش باد گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

حافظ

حکایت

عزیزالدین نسفی گوید: در ولایت خود بودم در شهر نسف، شبی پیغمبر صلی الله علیه و آله را به خواب دیدم. فرمود که یا عزیز! دیو اعود خوان و شیطان لا حول خوان را می شناسی؟ گفتم: «نی یارسول الله!» فرمود: «فلانی دیو اعود خوان و فلانی شیطان لا حول خوان است، از ایشان برحذر باش.» هر دو را می شناختم و با ایشان مصاحبت داشتم، ترک صحبت ایشان کردم. (الانسان الکامل، صص ۲۴۹ و ۲۵۰)

ای بسا ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

مولانا

چند روایت درباره آثار مصاحبت

علی علیه السلام فرمود: « اِصْحَبْ أَخَا التُّقَى وَالدِّينَ تَسْلَمَ وَاسْتَرَشِدْهُ تَغْتَنِمَ؛ با آدم اهل تقوی و دین مصاحب باش تا سالم بمانی و از او راهنمایی بجوی، تا سود بری» (غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۸۹)

و نیز فرمود: « أَكْثَرُ الصَّالِحِ وَالصَّوَابِ فِي صُحْبَةِ أَوْلَى النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ؛ بیشترین صلاح و خوبی، در همنشینی با خردمندان و صاحبان اندیشه نهفته است.» (غررالحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۴۲۴)

و باز فرمود: « مُجَالَسَةُ الْأَبْرَارِ تُوجِبُ الشَّرْفَ؛ دم خور شدن با نیکان مایه شرافت و برتری خواهد شد.» (غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۸۹)

مقام امن و می بی غش و رفیق شفیق	گرت مدام میسر شود، زهی توفیق
دریغ و درد که تا این زمان ندانستم	که کیمیای سعادت، رفیق بود رفیق
کجاست اهل دلی؟ تا کند دلالت خیر	که ما به دست نبردیم ره به هیچ طریق

حافظ

همچنین علی علیه السلام خطرات رفاقت و هم نشینی با انسان های ناصالح را چنین گوشزد کرده است: « صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تُكْسِبُ الشَّرَّ كَالرِّيحِ إِذَا مَرَّتْ بِالنَّيْنِ حَمَلَتْ نِتْنًا؛ همدمیبا بدان، سبب کسب بدی از آنها می شود، همانند بادی که بر بوی بد بوزد، آن را به همراه خواهد داشت» (غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۸۹)

و نیز فرمود: « صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تُوجِبُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ؛ مصاحبت با بدان، سبب بدگمانی و سوء ظن نسبت به خوبان خواهد شد.» (غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۰۵)

وای آن زنده که با مرده نشست	مرده گشت و زندگی از وی بجست
دوستی جاهل شیرین سخن	کم شنو، کآن هست چون سم کهن

مولانا

این نکته را نیز اضافه کنیم که در قرآن کریم از جمله دعاهایی که از زبان پیامبرانی چون ابراهیم علیه السلام و یوسف علیه السلام نقل گردیده است، درخواست حشر و مصاحبت با صالحین در روز قیامت است که قرآن از زبان این دو پیامبر دعای واحدی، این گونه نقل می فرماید که: «**وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ**؛ مرا به شایستگان ملحق فرما و با آنها محشور ساز» (یوسف، آیه ۱۰۱ و شعرا، آیه ۸۳)

همچنین از زبان آنان که دارای عقل و خرد بوده و اهل ذکر و اندیشه می باشند، این دعا را نقل می فرماید که: «**وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ**؛ و هنگام جان سپردن حشر و مصاحبت ما را با نیکان قرار ده»

(آل عمران، آیه ۱۹۳)

نکته دیگر اینکه اگر آدمی را توفیق وصول به درجات صالحان و یا هم نشینیو هم جواری با آنها حاصل نشد، باید سعی کند دوستی آنان را در دل خویش جای دهد که این خود، فضیلتی قابل توجه و امری نیکو می باشد.

در دعایی، نبی اکرم صلی الله علیه و آله درباره دوستی خوبان و اعمال خوب، فرمود: «**اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي اِلَى حُبِّكَ**؛ پروردگارا! محبت خودت را و محبت هر آنکه دوستت دارد و محبت هر عملی که مرا به تو نزدیک می سازد روزیم فرما» (الانسان الكامل، ص ۳۳۵)

همچنین امام باقر علیه السلام در این مورد می فرماید: «**اِذَا اَرَدْتَ اَنْ تَعْلَمَ اَنْ فَيْكَ خَيْرًا فَاَنْظُرْ اِلَى قَلْبِكَ، فَاِنْ كَانَ يُحِبُّ اَهْلَ طَاعَةِ اللّٰهِ وَيُبْغِضُ اَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَيْكَ خَيْرٌ وَ اللّٰهُ يُحِبُّكَ وَ اِنْ كَانَ يُبْغِضُ اَهْلَ طَاعَةِ اللّٰهِ وَيُحِبُّ اَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ وَ اللّٰهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ اَحَبَّ**؛ هر گاه خواستی بدانی که در تو خیری هست یا نه، به دلت نگاه کن. اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن داشت، در تو خیر هست و خدا هم تو را دوست دارد. ولی اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست داشت، خیری در تو نیست و خدا هم دشمنت می دارد. انسان با کسی است که دوستش دارد.» (محاسن برقی، ج ۱، ص ۴۱۰)

باید توجه داشت دوست داشتن صالحان و نیکان، افزون بر آنکه ذاتاً امری مطلوب و پسندیده است، چه بسا ممکن است انگیزه و محرکی قوی در سیر آدمی به سمت و سوی صالحان و مصاحبت با آنان در نتیجه تخلق به اخلاق شایسته آنان باشد؛ چنانچه در عبارتی معروف، چنین آمده است:

أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُنِي الصَّلَاحَا

گرچه از صالحان نیستم ولی آنها را دوست می دارم. باشد که خداوند به برکت این دوستی، صلاح و دوستی،

روزیم فرماید. (امام خمینی، سرالصلوة، ص ۲)

hossna.ir